

تأثیر شاخص‌های مالی و نهادی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: شواهدی از کشورهای منطقه منا

عبدالناصر درخشان ^{ID}*

عضو علمی گروه مدیریت، دانشگاه ولایت ایرانشهر، سیستان و بلوچستان، ایران

علیرضا آبرود ^{ID}

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2026.94539.1307>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مطالعه حاضر بینش جدیدی از درک بهتر عوامل کلان مالی و نهادی اثرگذار بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) در کشورهای منطقه منا ارائه می‌دهد. برای دستیابی به این هدف، از داده‌های سالانه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ و رگرسیون پانل کوانتایل استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان داد که توسعه مالی نقش مثبت و قابل توجهی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) می‌گذارد. علاوه بر این، یافته‌ها بیانگر این بود که افزایش کارایی دولت و ثبات سیاسی به عنوان عوامل نهادی در کشورهای منطقه منا به طور قابل توجهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را افزایش می‌دهد. در این مطالعه، متغیرهای درآمد سرانه و جهانی شدن به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شد. این مطالعه یک دیدگاه یکپارچه برای تعیین عواملی که می‌توانند بر رفتار مسئولانه اجتماعی در کشورهای منطقه منا تأثیر بگذارند، ارائه می‌دهد. این مطالعه با ارائه بینش‌های تجربی در مورد محرک‌های مالی و نهادی CSR در کشورهای منا، به ادبیات کمک می‌کند و پیامدهایی را برای سیاست‌گذاران، تنظیم‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان شرکتی با هدف افزایش شیوه‌های کسب‌وکار مسئولانه اجتماعی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: توسعه مالی، کارایی دولت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، منا.

* نویسنده مسئول: nasser_d1978@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

صفحات: ۷۸-۵۵

مقدمه

امروزه، رابطه بین عملکرد و توسعه مالی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) به ویژه در کشورهای درحال توسعه و نوظهور همچنان مورد بحث است. بسیاری از شرکت‌ها، سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) را برای پرداختن به چالش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی معرفی کرده‌اند. در عین حال، بسیاری از سرمایه‌گذاران، هنگام تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، عوامل غیرمالی مربوط به عوامل اجتماعی، زیست‌محیطی، حاکمیت شرکتی یا اخلاقی را در نظر می‌گیرند (Singhal et al., 2024). سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی (SRI) در دهه ۱۹۶۰ ظهور کرد و به یک طبقه سرمایه‌گذاری مهم و تأثیرگذار با ۲۱/۴ تریلیون دلار در سراسر جهان از ابتدای سال ۲۰۱۴ تبدیل شده است (Śliwiński & Łobza, 2017). این افزایش با نقش رو به رشد شرکت‌ها در مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی مشخص می‌شود و مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) را در کانون توجه قرار می‌دهد. اگرچه هیچ تعریف واحدی برای CSR وجود ندارد، اما به طور کلی، CSR به مسئولیت یک شرکت برای گنجاندن مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در عملیات خود و همچنین ارزیابی تأثیر فعالیت تجاری آن بر ذینفعان مختلف اشاره دارد (Orazayeva & Arslan, 2025).

اهمیت CSR در دستور کار جهانی کسب و کار را می‌توان با رشد چشمگیر در افشای پایداری، بهبود استانداردهای گزارشگری و افزایش سرمایه‌گذاری پایدار نشان داد (Singhal et al., 2024). طبق بررسی KPMG از گزارش‌های پایداری، ۹۶٪ از شرکت‌های G250 در مورد مسائل پایداری یا ESG گزارش می‌دهند (KPMG, 2022). رویه گزارشگری پایداری با توسعه استانداردهایی مانند ابتکار گزارشگری جهانی^۱ (GRI) که برای تشویق شرکت‌ها به پذیرش مسئولیت تأثیرات خود بر جامعه و محیط زیست و همچنین استانداردسازی نحوه اطلاع‌رسانی این تأثیرات توسط شرکت‌ها طراحی شده است، ارتقا می‌یابد. سرمایه‌گذاری بر اساس معیارهای پایداری نیز در حال افزایش است و از ۱۳/۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۲ به تقریباً ۳۰/۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است که نشان‌دهنده رشد ۱۲۳ درصدی است (GSIA, 2022). بسیاری از شرکت‌ها در سراسر جهان ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDG) را که توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ تعیین شده است، به عنوان بخشی از دستور کار استراتژیک خود در نظر می‌گیرند. این نشان‌دهنده یک واقعیت مدرن است که وابستگی متقابل بین جامعه و تجارت در حال تقویت است و

^۱. Global Reporting Initiative

تجارت را به بخشی جدایی‌ناپذیر از اکوسیستم تبدیل می‌کند که مسئولیت‌های آن بسیار فراتر از سودآوری است. در دستور کار دانشگاهی، موضوع مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) نیز پوشش گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است و CSR را در طیف مجلات بین رشته‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد و در نتیجه ماهیت چند بعدی آن را منعکس می‌کند.

بسیاری از مطالعات به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر امور مالی شرکت‌ها پرداخته‌اند و اکثراً رابطه مثبتی بین CSR و عملکرد مالی گزارش کردند (Feng et al., 2018; Tang & Wang, 2022; Coelho et al., 2022; Singhal et al., 2024). برخی مطالعات نیز نقش عوامل موثر درون شرکتی شامل (سودآوری، رکود سازمانی و اهرم مالی) را بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها مورد بررسی قرار دادند (Stojanovic et al., 2020; Vagin et al., 2022; Xiong et al., 2023; Aftab et al., 2024). با این حال، مطالعات جدید به بررسی عوامل سطح کلان (شامل رشد اقتصادی، کارایی دولت، فشار عمومی و اجرای قانونی و ...) بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها پرداختند (Orazayeva & Arslan, 2025). مطالعات قبلی نشان دادند که اکوسیستم‌های نهادی بر تعهد شرکت‌ها به مسائل اجتماعی تأثیر می‌گذارند (Orlitzky et al., 2003). با توجه به اینکه مسئولیت اجتماعی شرکتی شامل سهمی از منابع شرکت است، روشن کردن رابطه بین شاخص توسعه مالی و عوامل نهادی با CSR، مورد توجه ویژه‌ای است.

عوامل تعیین‌کننده مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR)، به ویژه در زمینه اقتصادهای منطقه منا، پوشش دانشگاهی محدودی داشته‌اند. تمرکز تحقیقات قبلی عمدتاً بر مطالعه تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر جنبه‌های مختلف عملکرد شرکت بود، نه بررسی نیروهای محرک خود مسئولیت اجتماعی شرکتی. در میان تعداد محدودی از مطالعات در مورد محرک‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی، عوامل داخلی و خارجی قابل شناسایی هستند. عوامل قبلی به ویژگی‌های شرکت، مانند اندازه، صنعت و عملکرد مالی اشاره دارند. بعلاوه، رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و عملکرد مالی توجه گسترده‌ای را در ادبیات دانشگاهی به خود جلب کرده است. با این حال، هیچ اجماعی در مورد میزان یا جهت این رابطه وجود ندارد. تناقضات در یافته‌های قبلی ممکن است ناشی از عوامل مختلفی از جمله تعریف مبهم مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR)، روش‌های ارزیابی و تحقیق متنوع، محیط‌های مطالعاتی متفاوت و زمینه‌های تحقیقاتی متفاوت باشد.

تحقیقات قبلی عمدتاً بر تأثیرات مسئولیت اجتماعی شرکتی بر جنبه‌های مختلف کسب و کار متمرکز بودند، با این حال، انگیزه‌های رفتار مسئولانه اجتماعی به طرز چشمگیری نادیده گرفته شدند. بر اساس

نتایج یک متاآنالیز توسط (Margolis & Walsh, 2003) نشان داد که ۸۵ درصد از مطالعات قبلی از مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک متغیر توضیحی استفاده کرده‌اند، در حالی که نمونه‌هایی که در آن‌ها مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک متغیر وابسته مورد توجه عمل می‌کند، بسیار محدود است. بر اساس بررسی ادبیات قبلی، این مطالعه قصد دارد شکاف‌های ادبیات قبلی را پر کند. اولاً، مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) به عنوان یک متغیر وابسته در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است، در حالی که ادبیات قبلی عمدتاً بر تأثیرات خود مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) متمرکز بودند. ثانیاً، این مطالعه، با افزودن کاتالیزورهای بالقوه مسئولیت اجتماعی شرکتی در سطح کلان، مانند اثربخشی دولت و ثبات سیاسی، یک رویکرد چندلایه اعمال می‌شود. ثالثاً، این مطالعه بر اساس کشورهای منا است و در نتیجه امکان پیشنهاد راه‌حل‌های خاص‌تر مسئولیت اجتماعی شرکتی قابل اجرا در مناطق غیر غربی جهان را فراهم می‌کند. در واقع، به کارگیری محیط‌های تحقیقاتی چندکشوری به ترسیم تصویری کلی از محرک‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی در منطقه منا^۱ کمک می‌کند. نکته مهم این است که با استفاده از یک مدل پانل کوانتایل، این مطالعه به انتقادی که تحقیقات مرتبط قبلی در مورد روش‌های تخمین سوگیرانه با آن مواجه بودند، می‌پردازد.

ثالثاً، مطالعه حاضر متمرکز بر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) است. تمرکز بر این منطقه نه تنها به دلیل شکاف جغرافیایی در ادبیات، بلکه به خاطر ویژگی‌های ساختاری و نهادی منحصر به فردی است که می‌تواند رابطه بین عوامل کلان و مسئولیت اجتماعی شرکتی را به گونه‌ای متمایز شکل دهد (Wilkins, 2023). وابستگی به منابع طبیعی (به ویژه نفت و گاز) و چالش‌های محیط‌زیستی جدی مانند کمبود آب، چارچوبی را شکل می‌دهد که در آن CSR اغلب با اولویت‌های امنیت ملی و توسعه اقتصادی درهم تنیده است و انتظارات خاصی را از شرکت‌ها ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، ساختارهای حکومتی متمرکز و نقش پررنگ دولت به این معناست که مقررات، مشوق‌ها و حتی انتظارات مستقیم حکومتی (مانند آنچه در چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی دیده می‌شود) می‌تواند محرک قوی‌تری برای اقدامات CSR نسبت به فشارهای داوطلبانه بازار باشد (Salam et al., 2022). در عین حال، بافت فرهنگی-دینی قوی (به ویژه اسلام) و انتظارات اجتماعی ریشه‌دار در ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌های جمعی، یک زیربنای هنجاری متمایز برای درک و اجرای CSR فراهم می‌آورد که با جوامع غربی متفاوت است.

^۱. Middle East and North Africa

(Elzahaby, 2023). علاوه بر این؛ از اقتصادهای متنوع و در حال تحول با حکمرانی نسبتاً کارآمد (مانند امارات متحده عربی) تا اقتصادهای متکی بر رانت نفتی با چالش‌های نهادی عمیق‌تر. بررسی تأثیر عوامل مالی و نهادی در چنین بافت ناهمگن و پویایی، بینش‌های سیاستی متناسب با شرایط خاص منطقه را ممکن می‌سازد (Wilkins, 2023; Elzahaby, 2023).

همانطور که در بالا ذکر شد؛ منطقه منا از نظر اقتصادی، سیاسی و نهادی بسیار ناهمگون است و این تفاوت‌ها مستقیماً بر انگیزه‌ها، اولویت‌ها و ظرفیت شرکت‌ها برای انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. درک این ناهمگونی برای تفسیر صحیح نتایج مطالعات پانلی که کشورهای این منطقه را به عنوان یک مجموعه واحد در نظر می‌گیرند، ضروری است (Pallitt et al., 2025; Capasso, 2023). بهر حال منطقه منا از کشورهای با درآمد بالا (مانند امارات و قطر) تا کشورهای با درآمد متوسط (مانند مصر و مراکش) و کشورهای متأثر از درگیری (مانند یمن) را شامل می‌شود و این شکاف اقتصادی به معنای تفاوت چشمگیر در منابع مالی در دسترس شرکت‌ها و اولویت‌های سیاستی دولت‌ها است (Capasso, 2023). کیفیت نهادها، ثبات سیاسی و کارایی دولت در سراسر منطقه نیز یکسان نیست و این تفاوت محیط‌های نظارتی و مشوق‌های متفاوتی برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. همچنین، فشار ذینفعان و انتظارات اجتماعی در کشورهای مختلف بر اساس بافت فرهنگی و مذهبی خاص، اولویت‌های متفاوتی را در ابعاد مختلف زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شکل می‌دهد (Pallitt et al., 2025). از این رو، یافته‌های این تحقیق نه تنها شکاف جغرافیایی در ادبیات را پر می‌کند، بلکه درکی ظریف‌تر و وابسته به بافتار از چگونگی تعامل عوامل کلان با ویژگی‌های نهادی ویژه منا برای شکل‌دهی به رفتار CSR ارائه می‌دهد.

علاوه بر شاخص توسعه مالی و متغیرهای نهادی (مثل کارایی دولت و ثبات سیاسی)، این مطالعه متغیرهای سطح کلان دیگری شامل رشد اقتصادی و جهانی شدن را به مدل اضافه می‌کند و در نتیجه پیچیدگی مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی و عوامل اثرگذار بر آن را نشان می‌دهد. درک بهتر نقش شاخص توسعه مالی و عوامل نهادی در شکل‌دهی به مسئولیت اجتماعی شرکتی، مسیری را برای گنجاندن استراتژی‌های شرکتی با در نظر گرفتن ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) پیشنهاد می‌دهد. نوآوری علمی این تحقیق از پیشنهاد چارچوب تحقیقاتی ناشی می‌شود که شواهد جدیدی را به بحث جاری در مورد عوامل کلان موثر بر مسئولیت اجتماعی شرکتی ارائه می‌دهد. بخش بعدی مبانی نظری و پیشینه تجربی را ارائه

می‌دهد. بخش سوم به معرفی متغیرها و روش تحقیق می‌پردازد. نتایج تجربی در بخش ۴ مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت، نتیجه‌گیری در بخش آخر گزارش می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

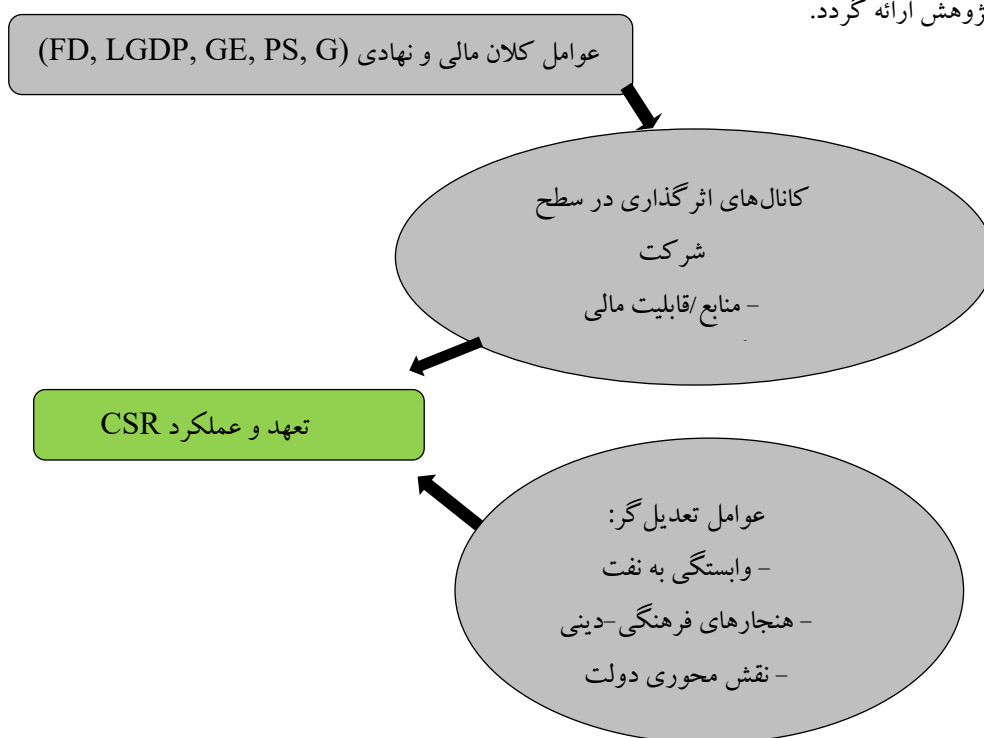
نظریات متعددی درباره عوامل موثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی متمرکز شدند. نظریه نهادی نشان می‌دهد که شرکت‌ها به دلیل فشارهای نهادی، از جمله چارچوب‌های نظارتی، هنجارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی، شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی را اتخاذ می‌کنند ([DiMaggio & Powell, 1983](#)). کمپل (۲۰۰۷) استدلال کرد که سازوکارهای اجرایی ضعیف و ناهماهنگی‌های نظارتی بر رفتارهای مسئولیت اجتماعی شرکتی شرکت‌ها در اقتصادهای نوظهور تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، متن و مون (۲۰۰۸) استدلال کردند که شرکت‌هایی که در چارچوب‌های نهادی قوی‌تر فعالیت می‌کنند، تمایل دارند در فعالیتهای مسئولیت اجتماعی شرکتی ساختاریافته‌تر و اساسی‌تری شرکت کنند، در حالی که شرکت‌هایی که در محیط‌های نهادی ضعیف‌تر فعالیت می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که ابتکارات نمادین مسئولیت اجتماعی شرکتی را اتخاذ کنند. نظریه ذینفعان فرض می‌کند که کسب و کارها باید منافع ذینفعان مختلف، از جمله سرمایه‌گذاران، کارمندان، مشتریان و جوامع را در نظر بگیرند ([Freeman, 2010](#)).

محققان استدلال کردند که فعالیت ذینفعان و آگاهی مصرف‌کننده در بازارهای نوظهور در حال افزایش است و بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد تا برای حفظ مشروعیت و مزیت رقابتی، در مسئولیت اجتماعی شرکتی مشارکت کنند ([Orazayeva & Arslan, 2025](#)). طبق گفته خان و همکاران (۲۰۱۳) رابطه مثبت بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را می‌توان به عنوان یک "چرخه فضیلت" توصیف کرد، با علیتی که می‌تواند به هر دو صورت رخ دهد. به طور مشابه، شارما و چاکرابورتی (۲۰۲۴) اظهار داشتند که مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر مستقیمی بر عملکرد مالی یک شرکت دارد و با بهبود امتیاز ESG یک شرکت، این تأثیر رو به افزایش است. با این حال، باید توجه داشت که مطالعات قبلی عمدتاً بر مطالعه تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر عملکرد مالی یک شرکت متمرکز بوده‌اند، در حالی که تأثیر امور مالی بر رفتار مسئولانه اجتماعی شرکت، از جنبه دانشگاهی توجه کمی را به خود جلب کرده است.

برخی مطالعات پیشین بر کانال‌های اثرگذاری عوامل مالی و نهادی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به طور محدود متمرکز شدند. کولیو و همکاران (۲۰۲۳) بر اساس بررسی سیستماتیک ادبیات ۵۳ مقاله منتشر شده در طول دوره ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۱، اظهار داشتند که بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی یک شرکت رابطه مستقیمی وجود دارد و با بهبود امتیاز ESG یک شرکت، این تأثیر رو به افزایش است. سه کانال

اثرگذاری (۱) مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مبتنی بر حسابداری، (۲) مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مبتنی بر بازار، و (۳) مسئولیت اجتماعی شرکتی و هزینه تأمین مالی معرفی شده است. با این حال، مسئولیت اجتماعی شرکتی و سودآوری شرکت از کانال کارایی عملیاتی بالاتر و کاهش هزینه از طریق مشارکت فعال ذینفعان نیز رخ می‌دهد (Stojanovic et al., 2020). علاوه بر این، تأثیر مثبت مسئولیت اجتماعی شرکتی بر فروش، نتیجه افزایش انگیزه و وفاداری کارکنان و همچنین تأیید مشتریان نیز یکی از کانال‌های اثرگذاری دیگر عنوان شده است (Orazayeva & Arslan, 2025).

بر اساس مطالب ذکرشده در قسمت مبانی نظری؛ در نمودار (۱) سعی شده است تا چارچوب مفهومی پژوهش ارائه گردد.



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش برای تعیین‌کننده مسئولیت اجتماعی شرکتی در منطقه منا (Orazayeva & Arslan, 2025).

چارچوب مفهومی در نمودار (۱) با پیروی از مطالعه اورازیوا و ارسلان (۲۰۲۵)؛ روابط علی پیچیده میان عوامل کلان، ظرفیت‌های شرکتی و ویژگی‌های بافتاری را در تبیین مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) ترسیم کرده است و نشان می‌دهد که سطح CSR در یک شرکت،

برآیند تعامل عوامل بیرونی نهادی و مالی (در سطح کشور)، کانال‌های داخلی اثرگذاری (در سطح شرکت) و عوامل تعدیل‌گر منحصربه‌فرد منطقه‌ای است. همچنین متغیرهای کلان مستقل شامل شاخص‌های توسعه مالی (نظیر عمق بازار سرمایه) و کیفیت نهادها (مانند کارایی دولت و حاکمیت قانون) به عنوان نقطه آغاز عمل می‌کنند و این عوامل از دو مسیر موازی بر تصمیمات شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند که با شکل‌دهی به انتظارات ذینفعان و قواعد بازی، ضرورت راهبردی پرداختن به CSR را ایجاد می‌کند. نتیجه این فرآیند، سطح نهایی تعهد و عملکرد CSR شرکت است. بنابراین، مدل مفهومی فوق بیان می‌کند که چرا اثر یک عامل کلان یکسان (مانند توسعه مالی) ممکن است در کشوری مانند امارات متحده عربی با کشوری مانند مراکش به گونه‌ای متفاوت ظاهر شود. در قسمت بعدی سعی شده است تا پیشینه مطالعات مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه گردند.

پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی

پلاتونوا و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در منطقه شورای همکاری خلیج فارس طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد. آن‌ها همچنین نشان دادند که رابطه مثبتی بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی آینده بانک‌های اسلامی GCC نشان می‌دهد که به طور بالقوه نشان می‌دهد فعالیت‌های فعلی CSR انجام شده توسط بانک‌های اسلامی در GCC می‌تواند تأثیر بلندمدتی بر عملکرد مالی آن‌ها داشته باشد.

کولیو و همکاران (۲۰۲۲) به مطالعه رابطه بین عملکرد مالی شرکت‌ها و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) پرداختند و به این سوال پاسخ دادند که آیا تخصیص منابع شرکت برای پرداختن به مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و حاکمیتی می‌تواند به عنوان منبعی برای هم‌افزایی جهت افزایش ارزش تجاری و بهبود عملکرد مالی به نفع شرکت و ذینفعان آن باشد؟ آن‌ها دریافتند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) مستقیماً بر عملکرد مالی شرکت تأثیر می‌گذارد و این تأثیر با افزایش تأثیر محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت، اهمیت بیشتری می‌یابد.

علی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین شیوه‌های سبز، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR)، حمایت مدیریتی و عملکرد پایدار کسب‌وکار در بخش خدمات پاکستان پرداخته است. یافته‌های

آن‌ها بر همبستگی مثبت بین شیوه‌های سبز، پایبندی به CSR و عملکرد پایدار تأکید دارند. نکته قابل توجه نتایج آن‌ها، این است که حمایت مدیریتی نقش محوری در تبدیل ابتکارات سبز و تعهدات CSR به نتایج ملموس پایدار ایفا می‌کند. پذیرش گسترده فناوری‌های سازگار با محیط زیست در بخش خدمات، نشان‌دهنده تغییر گسترده‌تر در سطح صنعت به سمت پایداری است.

سینقال و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها طریق معیار ارزش سهامداران، یعنی بازده حقوق صاحبان سهام با داده‌های بازار سهام هند طی دوره مطالعاتی ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۳ با رگرسیون داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثر قابل توجهی بر بازده حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها وجود ندارد.

اورازیوا و ارسلان (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل سطح کلان مالی و نهادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در اقتصادهای نوظهور با رگرسیون GMM پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که عملکرد مالی یک عامل تعیین‌کننده ضعیف برای رفتار مسئولانه اجتماعی در مناطق در حال توسعه و نوظهور است. علاوه بر این، مکانیسم‌های اجرایی ضعیف و چارچوب‌های نظارتی نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها ایفا می‌کنند. بنابراین، آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که دارای سستی سازمانی بالاتری هستند، لزوماً منابع اضافی را به مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتر اختصاص نمی‌دهند.

مطالعات داخلی

شفیعی و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها" به بررسی عوامل کلان اقتصادی شامل رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ بهره بدون ریسک و ... با داده‌های ۷۹ شرکت از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۳ با رگرسیون چندگانه با اثرات ثابت پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین شاخص‌های کلان اقتصادی مثل تورم و رشد اقتصادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی رابطه معناداری از نظر آماری وجود دارد.

نیک‌کار و یوسفی (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت‌اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی رابطه شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌ها با داده‌های ۱۰۵ شرکت از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ با روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که برخی از ابعاد شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت اثر معناداری بر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌ها دارد.

فخاری و فلاح‌پور (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر میانجی عملکرد مالی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با روش تحلیل ترکیبی

پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق عملکرد مالی نقش مهمی بر ارزش افزوده بازار دارد.

روش شناسی پژوهش

این بخش شامل دو زیربخش معرفی داده‌ها و روش تحقیق می‌باشد.

داده‌ها

هدف مطالعه حاضر، بررسی عوامل سطح کلان مالی و نهادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در ۱۸ کشور از منطقه منا می‌باشد. کشورهای مورد مطالعه عبارتند از الجزایر، بحرین، مصر، عراق، ایران، فلسطین اشغالی، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، عمان، عربستان سعودی، تونس، امارات متحده عربی، قطر و یمن. کشورهای منا به چند دلیل عمده انتخاب شدند. اولاً، بر طبق گزارشات سازمان ملل (۲۰۲۴)، اخیراً ۸۴٪ از مدیران ارشد در منطقه منا، CRS را جزئی ضروری از برنامه‌ریزی استراتژیک شرکت‌ها معرفی کردند. دوماً، کشوری مثل امارات متحده عربی و عربستان که در گروه کشورهای منا می‌باشد در شاخص CRS جز کشورهای پیش‌تاز هستند. حدود ۶۵٪ از شرکت‌های این منطقه، از چارچوب SDG برای گزارش CRS استفاده می‌کنند. در نهایت، CRS در منطقه منا در حال پیشرفت است گرچه موانع و مشکلاتی هنوز وجود دارد.

دوره مطالعاتی با توجه به دسترسی همه داده‌ها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ در نظر گرفته شده است. در این مطالعه، امتیاز کلی مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) به عنوان متغیر وابسته انتخاب شده است. در حالی که هیچ روش واحدی برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) وجود ندارد، و مزایا و معایب آن به رویکردهای مختلف نسبت داده می‌شود، این مطالعه از امتیازات ESG توسعه‌یافته توسط LSEG به عنوان نماینده مسئولیت اجتماعی شرکتی استفاده می‌کند. مزیت چنین رویکردی در شفافیت، تکرارپذیری و در نظر گرفتن تفاوت‌های صنعت است. استفاده از امتیاز کلی مسئولیت اجتماعی شرکتی، دیدگاهی جامع از عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی ارائه می‌دهد و ارزیابی متعادلی را بدون سوگیری به سمت هیچ دسته خاصی از مسئولیت اجتماعی شرکتی تضمین می‌کند (Orazayeva & Arslan, 2024). برای متغیرهای مستقل، عوامل سطح کلان مالی و نهادی (شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، توسعه مالی، جهانی شدن، ثبات سیاسی و کارایی یا اثربخشی دولت) در نظر گرفته شدند. برای عوامل مبتنی بر بازار، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی توسط شاخص‌های دولتی بانک جهانی نماینده‌سازی شدند. استدلال می‌شود که این شاخص‌ها، بر اساس پاسخ‌های تعداد زیادی از نظرسنجی‌ها، مرتبط‌ترین شاخص را برای ارزیابی وضعیت

نهادی یک کشور ارائه می‌دهند (Kaufman et al., 2004). جدول (۱)، متغیرهای وابسته و مستقل بکار رفته در این تحقیق را توصیف و خصوصیات آماری آن‌ها را ارائه می‌دهد.

جدول (۱): معرفی متغیرها و خصوصیات آماری آن‌ها

الف) معرفی و منبع متغیرها					
نماد متغیر		تعریف		منبع	
CSR		مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها		CSR	
GDP		تولید ناخالص داخلی سرانه (میلیون دلار به قیمت ثابت 2015)		WBD	
FD		توسعه مالی		IMF	
G		جهانی شدن		KOF	
PS		ثبات سیاسی و فقدان خشونت/تروریسم		WBD	
GE		کارایی دولت		WBD	
ب) خصوصیات آماری متغیرها					
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	تعداد مشاهدات
CSR	۳۸/۲۰۳	۱۵/۰۱۸	۱۰	۸۰	۴۳۲
GDP	۱۵۷۴۵/۰۶	۱۷۴۲۳/۴۱	۷۴۴/۶۷۴	۷۳۴۹۳/۲۷	۴۳۲
FD	۰/۳۱۵	۰/۱۵۵	۰/۰۶۹	۰/۶۴۲	۴۳۲
G	۶۰/۸۱۴	۱۰/۳۸۴	۳۷/۷۶۷	۷۹/۱۸۶	۴۳۲
PS	-۰/۶۷۸	۱/۰۷۴	-۳/۱۸۰	۱/۲۲۳	۴۳۲
GE	-۰/۲۰۹	۰/۸۴۵	-۲/۳۰۷	۱/۵۰۹	۴۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۱) در قسمت ب، میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در منطقه منا حدود ۳۸/۲۰۳ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین شاخص توسعه مالی ۰/۳۱۵ است که نشان می‌دهد کشورهای مورد مطالعه از نظر توسعه مالی در سطح بالایی قرار ندارند.

روش تحقیق

رگرسیون پانل کوانتایل در سال ۱۹۷۸ توسط کونکر و بست معرفی شد. این مدل براساس یک تابع چندکی شرطی است که مقادیر خطای مطلق را در متغیرها با توزیع نامتقارن به حداقل می‌رساند. این مدل

علاوه بر ارائه طرح کامل‌تر و جامع‌تری از توزیع داده‌ها، امکان اندازه‌گیری رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد نظر را حتی در صورت وجود نقاط دور امکان‌پذیر می‌سازد. در زیر فرمول ریاضی مدل رگرسیون کوانتایل توسط معادله (۱) ارائه شده است:

$$y_i = x_i b_{\theta i} + \mu_{\theta i}, \quad 0 < \theta < 1 \quad (1)$$

$$Quant_{i\theta}(y_i/x_i) = x_i \beta_{\theta}$$

X و y به ترتیب نشان‌دهنده بردار متغیرهای مستقل و متغیر وابسته هستند. μ ، خطای تصادفی است که توزیع چندکی شرطی آن صفر است. $Quant_{i\theta}(y_i/x_i)$ معادل چندک θ ام از متغیر توضیحی i است. برآورد β_{θ} رگرسیون کوانتایل (چندکی) θ th را نشان می‌دهد و معادله (۲) را برآورد می‌کند:

$$\min \sum_{y_i \geq x'_i \beta} \theta |y_t - x'_i \beta| + \sum_{y_i < x'_i \beta} (1 - \theta) |y_t - x'_i \beta| \quad (2)$$

با توجه به اینکه θ برابر با مقادیر مختلف است، بنابراین با حل این مدل، پارامترهای متفاوتی بدست می‌آید. مدل ما از رابطه (۳) زیر استفاده می‌کند:

$$CSR_{it} = La + \beta_1 LGDP_{it} + \beta_2 FD_{it} + \beta_3 G_{it} + \beta_4 PS_{it} + \beta_5 GE_{it} + \delta_{it} \quad (3)$$

در معادله بالا، CSR: نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، LGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵، FD: شاخص توسعه مالی، G: شاخص جهانی شدن، PS: ثبات سیاسی و GE: اثربخشی دولت است. از آنجایی که در این مطالعه از رگرسیون پانل کوانتایل برای بررسی عوامل موثر بر CSR استفاده شده است، معادله (۴) به شکل زیر تبدیل می‌شود:

$$Q_{\tau}(CSR_{it}) = (La)_{\tau} + \beta_{1\tau} GDP_{it} + \beta_{2\tau} FD_{it} + \beta_{3\tau} G_{it} + \beta_{4\tau} PS_{it} + \beta_{5\tau} GE_{it} + \delta_{i\tau} \quad (4)$$

در معادله بالا، Q_{τ} : به معنای برآورد رگرسیون کوانتایل CSR، $(la)_{\tau}$: مقدار ثابت و ضرایب $\beta_{1\tau}, \beta_{2\tau}, \beta_{3\tau}, \beta_{4\tau}, \beta_{5\tau}$ ، پارامترهای رگرسیون کوانتایل هستند. از آنجایی که نمرات CSR در کشورهای متفاوت زیادی دارد. از اینرو، استفاده از رگرسیون کوانتایل که به بررسی متغیر وابسته در کل توزیع می‌پردازد بهتر از سایر رگرسیون‌ها می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

هدف این مطالعه بررسی عوامل سطح کلان مالی و نهادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در پانلی از کشورهای منا با رگرسیون پانل کوانتایل است. برای معتبر بودن نتایج، لازم است قبل از برآورد مدل اقتصادسنجی، پیش‌آزمون‌هایی (شامل آزمون نرمالیتی، هم‌خطی بودن، همبستگی مقطعی، مانا بودن متغیرها و آزمون هم‌انباشتگی) انجام شود. با توجه به اینکه، در صورتی که داده‌ها دارای توزیع غیرنرمال باشند، نتایج آزمون کوانتایل نسبت به نتایج آزمون OLS قوی‌تر است (Koenker & Xiao, 2002). از اینرو، ابتدا نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون‌های شاپیرو-ویلک^۱ و شاپیرو-فرانس^۲ بررسی می‌شود. جدول (۲)، نتایج آزمون‌های نرمالیتی را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آزمون نرمالیتی

متغیرها	آزمون شاپیرو-ویلک	آزمون شاپیرو-فرانس
CSR	۰/۹۶۸	۰/۹۷۲
LGDP	۰/۷۸۱	۰/۷۸۴
FD	۰/۹۳۴	۰/۹۳۷
G	۰/۹۵۰	۰/۹۵۳
PS	۰/۹۷۲	۰/۹۷۴
GE	۰/۹۸۵	۰/۹۸۷

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، نتایج آزمون‌های نرمال بودن، توزیع غیرنرمال داده‌ها در همه متغیرها را نشان می‌دهد. از اینرو، نتایج آزمون بالا، تاییدی بر مناسب بودن رویکرد پانل کوانتایل برای مطالعه مورد نظر می‌باشد. در گام بعدی، هم‌خطی بودن متغیرها با آزمون هم‌خطی (VIF) بررسی می‌شود. همان‌طور که در جدول (۳)، مشاهده می‌شود، هیچ مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. بعد از بررسی هم‌خطی متغیرها، همبستگی مقطعی با آزمون LM بروش-پاگان^۳ بررسی می‌شود. فرضیه صفر در این

^۱. Shapiro-Wilk^۲. Shapiro-Francia^۳. Breusch-Pagan

آزمون وجود استقلال مقطعی است. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، نتایج آزمون LM، فرضیه صفر را رد می‌کند.

جدول (۳): نتایج آزمون هم‌خطی VIF و آزمون LM

متغیرها	آزمون VIF	میانگین VIF	آزمون LM	ارزش احتمال
CSR	-	۳/۲۴	آماره t	۰/۰۰۰
LGDP	۲/۲۱			
FD	۳/۷۹			
G	۳/۱۳			
PS	۲/۲۴			
GE	۴/۸۳			

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون LM در جدول (۳) که وجود همبستگی مقطعی در داده‌های پانل را تأیید کرد، بنابراین در این بخش، از آزمون ریشه واحد پانل (CIPS)، برای انجام آزمون مانایی متغیرها استفاده می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون CPIS

متغیرها	(Zt-bar)	I(0)	نتیجه
CSR	-۲/۶۰۴		مانا
LGDP	-۳/۵۵۴		مانا
FD	-۴/۷۵۶		مانا
G	-۳/۵۳۱		مانا
PS	-۳/۸۵۵		مانا
GE	-۴/۱۰۴		مانا

منبع: یافته‌های تحقیق. مقادیر بحرانی در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ به ترتیب -۲/۱۱، -۲/۲ و -۲/۳۸ است.

نتایج آزمون CIPS در جدول (۴)، نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح مانا هستند. از اینرو، از آزمون هم‌انباشتگی می‌توان برای بررسی روابط بلندمدت بین متغیرها استفاده کرد. در این مطالعه، از آزمون

پدرونی^۱ و کاوو^۲ برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها استفاده می‌شود. فرضیه صفر در هر دو آزمون عدم هم‌انباشتگی است.

جدول (۵): نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی

آزمون پدرونی			آزمون کاو		
احتمال	آماره t	برآورد گرها	احتمال	آماره t	برآورد گرها
۰/۰۰۰	۴/۶۰۴	Modified Phillips-Perron t	۰/۰۰۰	-۱۳/۶۹۶	Modified Dickey-Fuller t
۰/۰۰۷	-۲/۴۳۷	Phillips-Perron t	۰/۰۰۰	-۱۲/۵۷۹	Dickey-Fuller t
۰/۰۰۹	-۲/۳۶۱	Augmented Dickey-Fuller t	۰/۰۰۰	-۶/۸۱۵	Augmented Dickey-Fuller t
			۰/۰۰۰	-۱۸/۱۹۵	Unadjusted modified Dickey-Fuller t
			۰/۰۰۰	-۱۳/۳۴۱	Unadjusted Dickey-Fuller t

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد، فرضیه صفر در هر دو آزمون بالا رد می‌شود و این نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی است. پس از انجام آزمون‌های اولیه مورد نیاز، در این بخش نتایج برآورد رگرسیون پانل کوانتایل ارائه می‌شود. برای این منظور مشابه اکثر مطالعات قبلی کوانتایل‌های th_{10} ، th_{25} ، th_{50} ، th_{75} ، th_{90} در نظر گرفته شده است. در ادامه، نتایج برآورد مدل در جدول (۶) ارائه شده است.

^۱. Pedrony

^۲. Kao

جدول (۶). نتایج برآورد مدل رگرسیون پانل کوانتایل

متغیرها	th _{۱۰}		th _{۲۵}		th _{۵۰}		th _{۷۵}		th _{۹۰}	
	ضریب	آماره (احتمال)	ضریب	آماره (احتمال)	ضریب	آماره (احتمال)	ضریب	آماره (احتمال)	ضریب	آماره (احتمال)
LGD P	۱/۲۶۷	۲/۶۰ (۰/۰۱۰)	۰/۳۷۰	۰/۵۷ (۰/۵۶۶)	۱/۳۶۷	۲/۹۹ (۰/۰۰۳)	۲/۳۵	۴/۳۸ (۰/۰۰۰)	۱/۴۹۱	۱/۸۷ (۰/۰۶۳)
FD	۱۵/۵۵۲	۳/۳۹ (۰/۰۰۱)	۹۲۰	۴/۲۷ (۰/۰۰۰)	۷۰۴	۵/۰۴ (۰/۰۰۰)	۶۰۳	۳/۶۷ (۰/۰۰۰)	۳/۹۵	۳/۷۸ (۰/۰۰۰)
G	۰/۵۲۸	۸/۷۳ (۰/۰۰۰)	۰/۳۸۷	۴/۸۴ (۰/۰۰۰)	۰/۴۹۳	۸/۷۱ (۰/۰۰۰)	۶۰۲	۹/۵۳ (۰/۰۰۰)	۰/۶۹۱	۶/۹۸ (۰/۰۰۰)
PS	۱/۷۳۴	۳/۴۸ (۰/۰۰۱)	۲/۷۵۸	۴/۱۸ (۰/۰۰۰)	۲/۹۲۲	۶/۲۶ (۰/۰۰۰)	۳۵۲	۶/۴۳ (۰/۰۰۰)	۳/۹۹۲	۴/۸۹ (۰/۰۰۰)
GE	۹/۷۲۵	۱۰/۵۲ (۰/۰۰۰)	۹/۳۹۹	۷/۶۹ (۰/۰۰۰)	۷/۶۷۳	۸/۲۸۶ (۰/۰۰۰)	۱۰۷	۷/۳۵ (۰/۰۰۰)	۶/۶۴۴	۴/۳۹ (۰/۰۰۰)
CON S	۱۷/۰۴۰	-۳/۱۱ (۰/۰۰۰)	۰/۴۷۵	-۰/۰۷ (۰/۹۴۸)	۳۱۰	-۲/۲۱ (۰/۰۲۸)	۵۰۲	-۳/۷۶ (۰/۰۰۰)	۱/۸۵۰	-۲/۳۳ (۰/۰۲۰)
R2	۰/۶۴۰		۰/۶۵۲		۰/۶۱۵		۰/۶۱۹		۰/۶۲۹	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، بین تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (CSR) در همه کوانتایل‌ها به جز کوانتایل $th_{۲۵}$ ، تأثیر مثبت و قابل توجهی وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش درآمد سرانه در کشورهای منا به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها منجر می‌شود. در واقع، افزایش درآمد سرانه می‌تواند مسئولیت‌پذیری جامعه را در قبال مسائل اجتماعی و زیست محیطی ارتقا دهد. شفيعی و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای دریافتند که بین رشد اقتصادی و CSR رابطه مثبت و معناداری در ایران وجود دارد. البته عدم معنی‌داری کوانتایل $th_{۲۵}$ را می‌توان در چارچوب تئوری مراحل توسعه اینگونه بیان کرد که از آنجایی که این کوانتایل؛ نماینده کشورهای با پایین‌ترین سطوح عملکرد CSR است، به نظر می‌رسد افزایش درآمد سرانه به‌تنهایی برای ایجاد انگیزه یا فشار مؤثر بر شرکت‌ها جهت تخصیص منابع به فعالیت‌های CSR کافی نیست. در این مرحله، اولویت‌های اقتصادی اولیه (مانند توسعه زیرساخت‌های پایه، ثبات کلان اقتصادی و اشتغال)

احتمالاً بر اقدامات داوطلبانه پیش‌رو در حوزه اجتماعی و زیست‌محیطی ارجحیت دارند و لذا رشد اقتصادی یک شرط لازم اما نه کافی برای ظهور CSR می‌گردد.

با توجه به نتایج جدول (۶)، بین توسعه مالی و CSR در تمامی سطوح کوانتایل رابطه مثبت و معناداری در کشورهای منا وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش توسعه مالی کمک شایانی به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌کند زیرا با افزایش سطح توسعه مالی کشور، وضعیت مالی شرکت‌های آن کشور در شرایط مطلوبی قرار می‌گیرد که مدیران می‌توانند بخشی از درآمد اضافی شرکت را برای مواجهه و حل مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی در نظر بگیرند. این اقدام سبب افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها می‌شود. مطالعات متعددی رابطه مثبتی بین عملکرد مالی و CSR در سایر کشورها بدست آوردند ([Platonova et al., 2018](#); [Orlitzky et al., 2023](#)). به‌رحال، برخی مطالعات بین عملکرد مالی و CSR رابطه منفی کشف کردند ([Sharma & Chakraborty, 2024](#)).

با توجه به نتایج جدول (۶)، مشاهده می‌شود که بین جهانی‌شدن و CSR در همه سطوح کوانتایل در کشورهای منطقه منا رابطه مثبت و از نظر آماری معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که افزایش جهانی‌شدن و پیوستن به دهکده جهانی می‌تواند مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را افزایش دهد. از آنجایی که افزایش جهانی‌شدن نیازمند پذیرش برخی قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی است. از این‌رو، به طور خودکار افزایش جهانی‌شدن به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها منجر می‌شود. برخی مطالعات معتقدند که توسعه جهانی‌شدن سبب افزایش درآمد جوامع می‌شود و جوامع ثروتمندتر، مسئولیت بیشتری در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهند ([Orazayeva & Arslan, 2025](#)).

نتایج نشان می‌دهد که ثبات سیاسی اثر مثبت و قابل توجهی بر CSR در تمام سطوح کوانتایل دارد، به این معنی که افزایش ثبات سیاسی در کشورهای منا، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، با حرکت در سطح کوانتایل‌ها، این تأثیر بیشتر می‌شود. به این مفهوم که با افزایش سطح کوانتایل‌ها (یعنی کشورها با شاخص CSR بالاتر)، اثرات ثبات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر افزایش می‌یابد. نتایج جدول (۶) بیانگر این است که یک رابطه مثبت و معنادار بین اثربخشی دولت و CSR در تمامی کوانتایل‌ها وجود دارد. به‌رحال، ضرایب اثرگذاری در کوانتایل‌های پایین‌تر، بیشتر است. بنابراین مشاهده می‌شود، عوامل نهادی (یعنی ثبات سیاسی و اثربخشی دولت) از عوامل قابل توجه اثرگذار بر رفتارهای مسئولانه شرکت‌ها می‌باشند. اثربخشی دولت و قدرت ذینفعان به

ترتیب بر اساس فرضیه‌های نظریه نهادی و نظریه ذینفعان، بر مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر می‌گذارند (Orazayeva & Arslan, 2025). در ادبیات قبلی شواهدی وجود دارد که دولت‌ها با ابزار یارانه‌های دولتی می‌توانند مسئولیت اجتماعی شرکتی را تحریک کنند. به عنوان مثال، (Duan et al., 2022) تأثیر مثبت و معناداری از یارانه‌های دولتی بر ارتقای مسئولیت اجتماعی شرکتی در یک نمونه از شرکت‌های پاکستانی مشاهده کردند. (Orazayeva & Arslan, 2025) نیز گزارش کردند شرکت‌هایی که در محیط‌های نظارتی سختگیرانه‌تر قرار دارند، احتمال بیشتری دارد که مسئولیت اجتماعی شرکتی را به عنوان یک استراتژی اصلی ادغام کنند. بهرحال، کشورهایی با چارچوب نظارتی قوی ممکن است انطباق با مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) را مؤثرتر از کشورهایی با اجرای ضعیف‌تر اجرا کنند. در ادامه، در این مطالعه برای بررسی جهت علیت از آزمون علیت دومیترسکو-هورلین^۱ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

نتایج آزمون علیت دومیترسکو-هورلین در بین متغیرهای موردبررسی				
رابطه علی مورد بررسی (علت → معلول)	آماره W	p-value	سطح معناداری	نتیجه آزمون
(FD) → CSR	۵/۴۲	۰/۰۰۰	۱٪	علیت یک‌طرفه تأیید شد.
(GE) → CSR	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۱٪	علیت یک‌طرفه تأیید شد.
(PS) → CSR	۳/۹۵	۰/۰۰۰	۱٪	علیت یک‌طرفه تأیید شد.
(G) → CSR	۳/۰۱	۰/۰۰۳	۱٪	علیت یک‌طرفه تأیید شد.
(LGDP) → CSR	۱/۸۹	۰/۰۵۹	۱۰٪	عدم رابطه علیت.
CSR → (FD)	۱/۲۴	۰/۲۱۵	بی‌معنی	عدم رابطه علیت.
CSR → (GE)	۲/۵۵	۰/۰۱۱	۵٪	علیت معکوس یک‌طرفه تأیید شد.

ماخذ: یافته‌های پژوهش.

نتایج آزمون علیت (جدول ۷) که به عنوان مکمل ضروری تحلیل‌های همبستگی ایستای جدول (۶) ارائه شده است، مؤید وجود روابط علی ساختاریافته از سمت عوامل کلان به سمت مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در منطقه منا است. شواهد قوی نشان می‌دهد که توسعه مالی (FD)، کارایی دولت (GE)، ثبات سیاسی (PS) و جهانی‌شدن (G) هر یک به صورت یک‌طرفه و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد،

^۱. Dumitrescu and Hurlin

علت‌هایی برای تغییرات در سطح CSR محسوب می‌شوند. بر اساس نتایج آزمون علیت، توسعه مالی بر رفتار شرکتی اثر می‌گذارند. معناداری علیت از کارایی دولت به CSR و همچنین وجود علیت معکوس معنادار از CSR به کارایی دولت (در سطح ۹۵ درصد)، یک رابطه پویا و دوسویه را بین حکمرانی خوب و مسئولیت‌پذیری شرکتی آشکار ساخته است که این الگو با نظریه نهادی سازگار است (که هم بر اثرگذاری قواعد نهادی بر شرکت‌ها تأکید دارد و هم مشروعیت اجتماعی کسب‌شده توسط شرکت‌های مسئولیت‌پذیر را به عنوان عاملی برای بهبود تدریجی محیط نهادی در نظر می‌گیرد). در مقابل، رابطه علی از سمت رشد اقتصادی (LGDP) به CSR تنها در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است که حاکی از یک اثرگذاری حاشیه‌ای یا مشروط است. این نتیجه نیز با یافته رگرسیون کوانتایل که نشان داد اثر LGDP در سطوح پایین CSR (کوانتایل ۱۲۵ام) فاقد معناداری آماری است، همپوشانی مفهومی پیدا می‌کند. در مجموع، نتایج آزمون علیت در جدول (۷)، مؤید آن است که در منطقه منا، کیفیت نهادها و توسعه بازارهای مالی، پیش‌ران‌های قوی‌تر و پایدارتری برای CSR نسبت به صرف رشد درآمد سرانه هستند و بر اولویت‌بندی اصلاحات نهادی و تقویت بخش مالی به عنوان اهرم‌های کلید برای تسریع در گذار به سوی اقتصادهای مسئولیت‌پذیر اجتماعی تأکید می‌ورزد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل کلان مالی و نهادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در منطقه منا با رگرسیون پانل کوانتایل است. در مجموع، نتایج نشان داد که توسعه مالی و جهانی شدن عوامل تعیین‌کننده مهم و قابل توجهی برای رفتار مسئولانه اجتماعی در مناطق منا است. علاوه بر این، مکانیسم‌های اجرایی خوب و دولت کارا نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای CSR ایفا می‌کنند. به علاوه، یافته‌ها حاکی از آن است که شرکت‌ها در کشورهایی که دارای ثبات سیاسی بالاتری هستند، منابع اضافی را به ابتکارات CSR اختصاص می‌دهند. این مطالعه با ارائه بینش‌های تجربی در مورد محرک‌های مالی و نهادی CSR در اقتصادهای منطقه منا، به ادبیات کمک می‌کند و پیامدهایی را برای سیاست‌گذاران، تنظیم‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان شرکتی با هدف افزایش شیوه‌های کسب و کار مسئولانه اجتماعی ارائه می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر نقش قاطع عوامل نهادی (کارایی دولت و ثبات سیاسی) به عنوان پیش‌ران‌های اصلی مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در منطقه منا، در مقایسه با ادبیات جهانی، نقشی تمایز یافته و تقویت‌شده برای دولت آشکار می‌سازد. در حالی که در اقتصادهای توسعه‌یافته با نهادهای بازار قوی و جامعه مدنی پررنگ، CSR عمدتاً پاسخی به فشارهای غیرمتمرکز ذینفعان، الزامات قانونی شفاف و

محاسبات استراتژیک رقابتی است، یافته‌های حاضر نشان داد که در بافت نهادی منطقه منا، دولت به عنوان کارگزار اصلی عمل می‌کند. این امر نه تنها از طریق اثر مستقیم و قدرتمند متغیر کارایی دولت در مدل قابل مشاهده است، بلکه در شناسایی یک رابطه علی دوطرفه پویا بین کارایی دولت و CSR نیز تبلور یافته است. این رابطه دوطرفه حاکی از یک چرخه تکاملی است که در آن؛ دولت کارا با وضع قواعد و مشوق‌ها، پایه‌های اولیه CSR را می‌ریزد و متعاقباً، مشروعیت و ثبات ناشی از گسترش CSR، به نوبه خود ظرفیت و کارایی دولت را تقویت می‌کند. این الگو در تقابل با الگوی خطی ساده‌شده در بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته قرار دارد.

تحلیل کوانتایل نشان داد که رابطه توسعه مالی با CSR در تمام سطوح یکسان نیست و در مراحل اولیه ممکن است کمرنگ‌تر باشد. این یافته حاکی از آن است که در منطقه منا، توسعه مالی احتمالاً پیش از آنکه انگیزه‌ای برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایجاد کند، در ابتدا به عنوان یک امر قابلیت‌ساز اجباری عمل می‌نماید. این الگو با شرایط کشورهای توسعه‌یافته که در آنها بازارهای مالی بالغ، CSR را از طریق مکانیسم‌هایی مانند سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیر اجتماعی و ارزیابی ریسک با پیچیدگی بیشتری هدایت می‌کنند، متفاوت است. در بسیاری از کشورهای منا، توسعه مالی ممکن است هنوز در حال گذار از نقش سنتی تأمین‌کننده منابع به نقش مدرن انتقال‌دهنده انگیزه‌های بازار باشد.

عدم معناداری ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه در کوانتایل پایینی (۱۲۵م) نیز به وضوح از تئوری مراحل توسعه حمایت می‌کند و نشان می‌دهد که در منطقه منا، صرف دستیابی به رشد درآمد سرانه، برای ایجاد یک محرک پایدار و خودکار برای CSR کافی نیست و رشد اقتصادی تنها زمانی به یک محرک مؤثر تبدیل می‌شود که با یک حد آستانه از بلوغ نهادی همراه شده باشد. لذا قدرت عوامل نهادی، نقش دوطرفه دولت، ماهیت قابلیت‌ساز توسعه مالی و شرطی شدن اثر رشد اقتصادی، همگی مؤید این امر هستند که هر چارچوب سیاستی یا راهبرد شرکتی که قصد ترویج CSR در این منطقه را دارد، باید بر ساخت ظرفیت نهادی و تثبیت حکمرانی خوب به عنوان پیش‌نیازهای بنیادین تمرکز کند.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود که CSR هم از طرف دولت و هم از طرف ایجاد انگیزه داخلی ایجاد شود. از طرف دولت، پیشنهاد می‌شود که برای شرکت‌ها انگیزه‌هایی برای مشارکت در ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکتی ایجاد شود. این می‌تواند شامل مشوق‌های مالیاتی، مکانیسم‌های افشا و گزارش‌دهی سختگیرانه‌تر و یارانه‌های دولتی باشد. از دیدگاه سطح شرکت، پیشنهاد می‌شود هزینه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی را به عنوان بخشی از استراتژی شرکت در نظر بگیرید. با ادغام یک طرز فکر

مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان بخشی از فعالیت عملیاتی، می‌توان ارتباطات قوی‌تری با امور مالی شرکت‌ها برقرار کرد که منجر به تصمیمات آگاهانه‌تر در مورد مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌شود. در دسترس بودن منابع مالی بر تعهد به مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر می‌گذارد. بعلاوه، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در منطقه منا می‌تواند با اصول بشردوستانه اسلامی و فعالیت‌های اجتماعی و جنبش‌های حقوق کارگری، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکتی را هدایت شود. بنابراین، بودجه‌بندی، نظارت و کنترل ابتکارات CSR پیشنهاد می‌شود. تجزیه و تحلیل هزینه-فایده برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری توصیه می‌شود که به شناسایی نقاط ضعف مسئولیت زیست‌محیطی و اجتماعی کمک می‌کند، که به نوبه خود منجر به تصمیمات منظم‌تر در مورد CSR خواهد شد. علاوه بر این، با ادغام CSR در استراتژی شرکت، می‌توان به تدریج دیدگاه هزینه‌های CSR را به عنوان یک بار غیرضروری تغییر داد. این مطالعه از چندین جهت بدیع است. مهم‌تر از همه، رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و عوامل کلان مالی و نهادی را از منظر چگونگی تأثیر عوامل کلان بر مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) بررسی می‌کند، نه برعکس. مطالعات قبلی عمدتاً بر تأثیر افزایش مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی متمرکز بودند. به همین ترتیب، این مطالعه دیدگاه تازه‌ای ارائه می‌دهد و بینش‌های جدیدی را در مورد بحث جاری در مورد عوامل اثرگذار کلان بر مسئولیت اجتماعی شرکتی ارائه می‌دهد. علاوه بر این، چارچوب تحقیقاتی از نظر انتخاب مدل‌ها و مشخصات متغیر منحصر به فرد است.

منابع

- Aftab, J.; Abid, N.; Sarwar, H.; Amin, A.; Abedini, M., & Veneziani, M. (2024). Does corporate social responsibility drive financial performance? Exploring the significance of green innovation, green dynamic capabilities, and perceived environmental volatility. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 31(3), 1634–1653. <https://doi.org/10.1002/csr.2654>
- Ali, A. Z.; Ameer, I.; Faisal, S., & Rauf, H. (2023). Forging sustainable development: Exploring the impact of green initiatives and corporate social responsibility. *Sustainable Trends and Business Research*, 1(2), 76–87. <https://doi.org/10.70291/stbr.1.2.2023.8>
- Campbell, J. L. (2007). Why would corporations behave in socially responsible ways? An institutional theory of corporate social responsibility. *Academy of Management Review*, 32(3), 946–967. <https://doi.org/10.5465/AMR.2007.25275684>
- Capasso, M. (2023). *Wars, Capital and the MENA Region*.
- Coelho, R.; Jayantilal, S., & Ferreira, J. J. (2023). The impact of social responsibility on corporate financial performance: A systematic literature review.

Corporate Social Responsibility and Environmental Management, 30(4), 1535–1560. <https://doi.org/10.1002/csr.2446>

DiMaggio, P. J. & Powell, W. W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. *American Sociological Review*, 48(2), 147–160. <https://doi.org/10.2307/2095101>

Duan, W.; Khurshid, A.; Rauf, A., & Calin, A. C. (2022). Government subsidies influence on corporate social responsibility of private firms in a competitive environment. *Journal of Innovation & Knowledge*, 7(2), 16–28. <https://doi.org/10.1016/j.jik.2022.100189>

Elzahaby, M. A. (2023). Corporate narrative disclosure practices in the Middle East and North Africa (MENA) region: A systematic literature review. *International Journal of Disclosure and Governance*, 20(3), 296–315. <https://doi.org/10.1057/s41310-023-00173-9>

Fakhari, H. & Fallahpour, F. (2017). The mediating effect of financial performance on the relationship between corporate social responsibility and market value-added (study: listed companies in the Tehran Stock Exchange). *Financial Management Perspective*, 7(20), 97–114. [In Persian]

Feng, Y.; Chen, H. H., & Tang, J. (2018). The impacts of social responsibility and ownership structure on sustainable financial development of China's energy industry. *Sustainability*, 10(2), 301. <https://doi.org/10.3390/su10020301>

Freeman, R. E. (2010). *Strategic Management: A Stakeholder Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.

Global Reporting Initiative (GRI). (2016). *GRI sustainability reporting standards*.

Global Sustainable Investment Alliance (GSIA). (2022). *Global sustainable investment review*.

Kaufman, A.; Tiantubtim, E.; Pussayapibul, N., & Davids, P. (2004). Implementing voluntary labour standards and codes of conduct in the Thai garment industry. *Journal of Corporate Citizenship*, 13, 91–99. <https://doi.org/10.9774/GLEAF.4700.2004.sp.00011>

Khan, A.; Muttakin, M. B., & Siddiqui, J. (2013). Corporate governance and corporate social responsibility disclosures: Evidence from an emerging economy. *Journal of Business Ethics*, 114(2), 207–223. <https://doi.org/10.1007/s10551-012-1336-0>

Koenker, R. & Bassett, J. G. (1978). Regression quantiles. *Econometrica*, 46, 33–50. <https://doi.org/10.2307/1913643>

Koenker, R. & Xiao, Z. (2002). Inference on the quantile regression process. *Econometrica*, 70(4), 1583–1612. <https://doi.org/10.1111/1468-0262.00342>

KPMG. (2022). *KPMG International survey of corporate responsibility reporting*.

Margolis, J. D. & Walsh, J. P. (2003). Misery loves companies: Rethinking social initiatives by business. *Administrative Science Quarterly*, 48(2), 268–305. <https://doi.org/10.2307/3556659>

Matten, D. & Moon, J. (2008). “Implicit” and “explicit” CSR: A conceptual framework for a comparative understanding of corporate social responsibility. *Academy of Management Review*, 33(2), 404–424. <https://doi.org/10.5465/AMR.2008.31193458>

Nik kar, J. & Yosefi, M. (2019). The effect of quantitative indicators of corporate social responsibility on financial and economic performance volatility in firms listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(1), 160–180. [In Persian]

Orazayeva, A. & Arslan, M. (2024). Social responsibility portfolio optimization in the context of emerging markets. *International Journal of Managerial and Financial Accounting*, 16(3), 266–281. <https://doi.org/10.1504/IJMFA.2024.10055721>

Orazayeva, A. & Arslan, M. (2025). Effect of financial indicators on corporate social responsibility: Evidence from emerging economies. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(3), 110. <https://doi.org/10.3390/jrfm18030110>

Orlitzky, M.; Schmidt, F. L., & Rynes, S. L. (2003). Corporate social and financial performance: A meta-analysis. *Organizational Studies*, 24, 403–441. <https://doi.org/10.1177/0170840603024003910>

Pallitt, N.; Gachago, D., & Bali, M. (2025). *Embracing Change*. Portraits of A, 131.

Platonova, E.; Asutay, M.; Dixon, R., & Mohammad, S. (2018). The impact of corporate social responsibility disclosure on financial performance: Evidence from the GCC Islamic banking sector. *Journal of Business Ethics*, 151(2), 451–471. <https://doi.org/10.1007/s10551-016-3229-0>

Salam, M. A.; Jahed, M. A., & Palmer, T. (2022). CSR orientation and firm performance in the Middle Eastern and African B2B markets: The role of customer satisfaction and customer loyalty. *Industrial Marketing Management*, 107, 1–13. <https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2022.09.013>

Shafiei, H.; Khodamipour, A., & Dastgir, M. (2017). The impact of macroeconomic indicators on social responsibility of companies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10(1), 155–173. [In Persian]

Sharma, D. & Chakraborty, S. (2024). Corporate social responsibility and financial performance: Does CSR strategic integration matter? *Cogent Business & Management*, 11(1), 2392182. <https://doi.org/10.1080/23311975.2024.2392182>

Singhal, N.; Paul, P.; Giri, S., & Taneja, S. (2024). Corporate social responsibility: Impact on firm performance for an emerging economy. *Journal of Risk and Financial Management*, 17(4), 171. <https://doi.org/10.3390/jrfm17040171>

Śliwiński, P. & Łobza, M. (2017). Financial performance of socially responsible indices. *International Journal of Management and Economics*, 53(1), 25–46. <https://doi.org/10.1515/ijme-2017-0003>

Stojanovic, A.; Milosevic, I.; Arsic, S.; Urosevic, S., & Mihaljovic, I. (2020). Corporate social responsibility as a determinant of employee loyalty and business performance. *Journal of Competitiveness*, 12(2), 149–166. <https://doi.org/10.7441/joc.2020.02.09>

Tang, M. & Wang, Y. (2022). Tax incentives and corporate social responsibility: The role of cash savings from accelerated depreciation policy. *Economic Modelling*, 116, 16–34. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2022.106040>

Vagin, S. G.; Kostyukova, E. I.; Spiridonova, N. E., & Vorozheykina, T. M. (2022). Financial risk management based on corporate social responsibility in the interests of sustainable development. *Risks*, 10(2), 35. <https://doi.org/10.3390/risks10020035>

Wilkins, K. G. (2023). *Development and Modernization in the Middle East*. In *The Handbook of Media and Culture in the Middle East*, 30–36.

Xiong, F.; Shao, Y.; Fan, H., & Xie, Y. (2023). Analysis of the motivation behind corporate social responsibility based on the csQCA approach. *Sustainability*, 15(13), 10622. <https://doi.org/10.3390/su151310622>